



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: وضع

تاریخ: ۲۱ اسفند ۱۳۹۱

موضوع جزئی: وضع هیئات - نظر مشهور درباره جمله خبریه و انشائیه

مصادف با: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۳۴

سال: چهارم

جلسه: ۸۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

عرض کردیم مرحوم آقای خوبی سه دلیل بر رد کلام مشهور ارائه کرده‌اند، مشهور معتقدند موضوع له جمله خبریه با موضوع له جمله انشائیه متفاوت است، بر این اساس معنای جمله خبریه ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در خارج است و معنای جمله انشائیه ایجاد معنی در خارج است. مرحوم آقای خوبی دو دلیل در کتاب محاضرات بر رد قول مشهور ذکر کردند، یک دلیل هم در کتاب اجود التقریرات ذکر کرده‌اند که ما اشکال سوم ایشان را ذکر و سپس ادله ارائه شده از طرف ایشان را مورد بررسی قرار می‌دهیم ببینیم ادله ایشان برای بطلان قول مشهور کفایت می‌کند یا خیر؟

اشکال سوم:

مدلول جمله خبریه نمی‌تواند ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در خارج باشد چون در بعضی موارد در جملات خبریه اصلاً نسبتی وجود ندارد تا ثابت یا نفی شود؛ مثلاً در «الله عالم» که یک جمله خبریه است نسبتی وجود ندارد تا گفته شود مدلول این جمله ثبوت نسبت «علم» و «الله» در خارج است؛ چون نسبت بین دو چیز در واقع دال بر این است که دو شیء مستقل وجود دارند لکن بین آنها یک نحوه ارتباط و نسبت ایجاد شده در حالی که بین «الله» و «علم» جدائی نیست تا بخواهد بین آنها نسبت برقرار شود بلکه بین «الله» و «علم» اتحاد ذاتی وجود دارد و خداوند عین علم است لذا نمی‌توان گفت مدلول این جمله خبریه نسبت بین «الله» و «علم» است. پس جمله خبریه «الله عالم» کلام شما را که گفتید مدلول جمله خبریه ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در خارج است را نقض می‌کند.

مورد دیگر جمله خبریه «شریک الباری ممتنع» است که این جمله خبریه هم هیچ دلالتی بر ثبوت نسبت در خارج ندارد؛ چون اصلاً «شریک الباری» در خارج وجود ندارد تا بخواهد نسبتی بین او و امتناع برقرار شود. موارد دیگری هم شبیه این دو مورد وجود دارد که در آنها نسبتی نیست تا ما بخواهیم بگوییم مدلول جمله خبریه ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در خارج است.

پس مرحوم آقای خوبی مجموعاً سه دلیل بر بطلان قول مشهور ارائه کردند، حال ما باید بررسی کنیم ببینیم آیا ادله‌ای که از جانب ایشان مطرح شده صحیح است یا خیر؟

بررسی اشکالات محقق خوبی:

قبل از اینکه به بررسی ادله سه‌گانه ارائه شده از طرف مرحوم آقای خوبی بپردازیم مقدمه‌ای باید به یک نکته اساسی اشاره کنیم که اگر به این نکته اساسی توجه شود اشکالاتی که مرحوم آقای خوبی به نظر مشهور ایراد کرده‌اند از اساس باطل می‌شود. مرحوم آقای خوبی گفتند مشهور معتقدند موضوع‌له جمله خبریه ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در خارج است، برداشتی که ایشان از نظریه مشهور داشتند و از لابلای ادله‌ای که برای بطلان نظر مشهور اقامه کردند قابل استفاده است، برداشتی ناتمام است؛ چون اصل سخن مشهور چیزی غیر از برداشت ایشان است؛ مشهور می‌گویند جمله خبریه برای نسبتی وضع شده که دارای واقع است و گاهی این نسبت با واقع مطابق و گاهی مطابق نیست، به کلمات اهل فن که مراجعه شود این نکته معلوم می‌شود، در کتب ادبی مثل مطول^۱ و شرح مختصر المعانی^۲، همچنین در کتب اصولی مثل نه‌ایة الافکار^۳ نظریه مشهور تبیین شده است که مشهور در مقام تبیین جمله خبریه می‌گویند جمله خبریه برای یک نسبتی وضع شده که دارای واقع است که ممکن است آن نسبت مطابق با واقع باشد و ممکن است مطابق با واقع نباشد، البته تعبیر به ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در بعضی کلمات آمده ولی این را نمی‌توان به مشهور نسبت داد، بلکه اگر هم تعبیر ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در کلمات مشهور مشاهده می‌شود منظورشان ثبوت نسبتی است که گاهی با واقع مطابق است و گاهی هم با واقع مطابق نیست، پس ثبوت نسبت در خارج به این معنی است که در کلام نسبتی وجود دارد که آن نسبت گاهی با واقع مطابق و گاهی هم مطابق با واقع نیست نه اینکه منظور ثبوت خود نسبت یا عدم ثبوت خود نسبت در خارج باشد تا اشکالات مرحوم آقای خوبی به مشهور وارد شود. پس مهم‌ترین مشکل در کلام مرحوم آقای خوبی این است که ایشان گمان کرده مشهور معتقدند جمله خبریه برای ثبوت و عدم ثبوت نسبت در خارج وضع شده در حالی که منظور مشهور این نیست بلکه مشهور می‌گویند جمله خبریه برای یک نسبت ذهنیه وضع شده - قرائن متعددی هم در کلمات مشهور وجود دارد که منظور آنها نسبت ذهنیه است نه نسبت خارجی و معتقدند تقوم قضیه به همین نسبت است - لکن این نسبت ذهنیه واقع را نشان می‌دهد و گاهی این نسبت ذهنیه مطابق با واقع است و گاهی هم مطابق با واقع نیست. پس مهم‌ترین اشکالی که متوجه مرحوم آقای خوبی است تفسیر نادرستی است که از کلمات مشهور داشته‌اند که موجب شده اشکالاتی را به نظر مشهور ایراد کند.

پاسخ اشکال اول:

مرحوم آقای خوبی فرمود دلالت جمله خبریه تصدیقه است معنایش این نیست که با گفتن جمله خبریه شنونده آن را تصدیق کند و اذعان به نسبت بکند تا ایشان اشکال کند از جمله خبریه چنین تصدیقی حاصل نمی‌شود. دلیل اولی که مرحوم آقای خوبی بر رد نظر مشهور ارائه کرد این بود که مدلول جمله خبریه تصدیق است و اگر ما بگوییم جمله خبریه برای ثبوت نسبت وضع شده، ثبوت نسبت یک دلالت تصویری است و چیزی نیست که تصدیق سامع را به دنبال داشته باشد لذا ایشان خواست

۱. مطول، ص ۳۷، سطر ۱۵-۸، چاپ قدیم.

۲. شرح مختصر المعانی، ص ۳۱، سطر ۱۱-۱.

۳. نه‌ایة الافکار، ج ۱، ص ۵۶ و ۵۷.

نتیجه بگیرد که جمله خبریه اساساً برای ثبوت یا عدم ثبوت نسبت وضع نشده است، پاسخ این است که اگر مشهور گفته دلالت جمله خبریه تصدیقیه است به این معنی است که اگر سامع به آن علم پیدا کند علم او تصدیقی خواهد بود نه تصویری بر خلاف مفردات و مرکبات ناقصه که علم به آنها تصویری است مثل تصور «غلام زید» که تصدیق و اذعانی در آن وجود ندارد ولی علم نسبت به بعضی از امور، تصدیقی است یعنی در واقع وقتی انسان می بیند زید قائم است اذعان به قیام زید پیدا می کند لذا علم او تصدیقی می باشد، جمله خبریه هم جمله ای است که اگر انسان علم به آن پیدا کند علم او تصدیقی خواهد بود و به عبارت دیگر جمله خبریه نسبتی است که قابلیت تصدیق دارد و بین نسبتی که قابلیت تصدیق دارد با نسبتی که فعلیت تصدیق دارد فرق است، مرحوم آقای خوبی گمان کرده مشهور می خواهد بگوید جمله خبریه جمله ای است که تصدیق فعلی به دنبال دارد لذا اشکال کرده چرا سامع تصدیق پیدا نمی کند؟ در حالی که منظور مشهور تصدیق فعلی نیست بلکه منظور مشهور این است که مدلول جمله خبریه ثبوت نسبت است ولی نسبتی که قابل تصدیق است، دلیل این مطلب هم این است که مشهور در مورد جمله انشائیه نگفته اند دلالت جمله انشائیه تصدیقی است، پس اگر منظور مشهور چیزی باشد که مرحوم آقای خوبی تصور کرده در جملات انشائیه هم مشهور باید ملتزم شوند به اینکه دلالت جمل انشائیه هم تصدیقی است در حالی که مشهور این مطلب را درباره جمل انشائیه نگفته اند، پس منظور مشهور از تصدیقی بودن دلالت جمل خبریه این است که جملات خبریه قابلیت تصدیق و تکذیب دارد لذا دلیل اول مرحوم آقای خوبی بر بطلان قول مشهور صحیح نیست.

پاسخ اشکال دوم:

مرحوم آقای خوبی فرمود چون حقیقت وضع عبارت از تعهد و التزام است و تعهد و التزام به امر اختیاری متعلق می شود لذا نمی توانیم موضوع له جمل خبریه را ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در خارج قرار دهیم چون کسی نمی تواند نسبت به ثبوت یا عدم ثبوت نسبت متعهد شود، چون ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در خارج امری غیر اختیاری است و چون امر غیر اختیاری است، وضع به آن تعلق نمی گیرد پس وضع، تعهد و التزام واضح نسبت به امور اختیاری است و ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در خارج، از اختیار انسان خارج است.

پاسخ این است که:

اولاً: منظور مشهور این نیست که مدلول جمله خبریه ثبوت و عدم ثبوت نسبت در خارج باشد تا شما بگویید ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در خارج امری غیر اختیاری است و تعهد و التزام به امور غیر اختیاری تعلق نمی گیرد بلکه مشهور می گویند مدلول جمله خبریه نسبتی است که دارای واقع است که گاهی آن نسبت مطابق با واقع و گاهی مطابق با واقع نیست.

ثانیاً: بر فرض از اشکال اول هم صرف نظر کنیم، متعلق تعهد از دو حال خارج نیست؛ یا خود موضوع له متعلق تعهد است و یا قصد تفهیم معنای موضوع له متعلق تعهد است، اگر بگویید متعلق تعهد خود موضوع له یعنی ذات و طبیعت موضوع له می باشد و حقیقت این نسبت غیر اختیاری است این کلام به مفردات تقض می شود؛ چون وقتی شما موضوع له زید را فلان شخص قرار می دهید منظور ذات و طبیعتی است که لفظ زید به ازاء آن وضع شده است در حالی که این ذات تحت اختیار ما نیست لذا

متعلق تعهد نمی‌تواند خود موضوع‌له باشد، اگر هم متعلق تعهد قصد تفهیم معنای موضوع‌له باشد یعنی واضح متعهد شده که اگر بخواهد معنای خاصی را به مخاطب بفهماند از یک لفظ خاص استفاده کند، این امری اختیاری خواهد بود و مشکلی نیست که واضح متعهد شود هنگام قصد تفهیم فلان معنی از فلان لفظ استفاده کند.

نالتا: اصل مبنا و مسلک تعهد که مرحوم آقای خوئی اختیار کرده مردود است که در بحث وضع به آن اشاره کردیم. لذا دلیل دوم مرحوم آقای خوئی بر رد نظر مشهور هم قابل قبول نیست.

پاسخ اشکال سوم:

مرحوم آقای خوئی فرمود مدلول جمله خبریه ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در خارج نیست چون در بعضی از جملات خبریه مثل «الله عالم» و «شریک الباری ممتنع» اصلاً نسبتی در کار نیست تا بخواهد ثابت یا نفی شود. پاسخ این است که این دلیل هم قابل قبول نیست چون منظور مشهور این نیست که موضوع‌له جمله خبریه، نسبتی است که در خارج است تا ایشان بگویند در بعضی موارد مثل «الله عالم» اصلاً نسبت خارجی وجود ندارد و بخواهد با امثال این مثال به مشهور نقض وارد کند. بلکه منظور مشهور این است که جمله خبریه برای یک نسبتی وضع شده که این نسبت یک ماورائی دارد و گاهی با آن ماوراء، مطابق و گاهی مطابق نیست. در این صورت کاری به حقیقت و ثبوت نسبت در خارج نداریم و جملاتی مثل «الله عالم» و «شریک الباری ممتنع» نمی‌تواند نقض بر نظر مشهور تلقی شود. نتیجه اینکه هر سه دلیل مرحوم آقای خوئی بر بطلان نظر مشهور مخدوش است.

و اما آنچه ایشان در مورد جملات انشائیه فرمود: جمله انشائیه برای ایجاد معنی در خارج وضع نشده چون اگر مراد از ایجاد، ایجاد تکوینی باشد، بطلان آن از ضروریات است و اگر مراد از ایجاد، ایجاد اعتباری باشد برای این منظور صرف اعتبار نفسانی کفایت می‌کند. در پاسخ ایشان عرض می‌کنیم اصل این مبنا باطل است یعنی مسلماً منظور مشهور از ایجاد، ایجاد تکوینی نیست بلکه منظورشان ایجاد اعتباری است ولی قبول نداریم که برای ایجاد اعتباری صرف اعتبار نفسانی کافی باشد و مبنای مرحوم آقای خوئی در باب حقیقت انشاء رد شده و ما در مباحث مربوط به حقیقت انشاء این مسلک را مورد بررسی قرار دادیم و رد کردیم، لذا اصل مبنای ایشان که می‌فرماید ایجاد اعتباری با صرف اعتباری نفسانی محقق می‌شود باطل است.

بحث جلسه آینده: حال باید ببینیم آیا نظر مشهور در باب وضع هیئات جمل خبریه و انشائیه قابل قبول است یا نه که انشاء الله در جلسه آینده به آن خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»